

ما بگوئیم ما طالب سلم و صلیم و لا دست از حق شروع نمودمان بر نیدریم دولت ما در نیک روزی بطرف است نماندند  
 ایران و امان دولت و امان نوزاد است بکمال تقدس ما تجاوز کرده اند بیک خدمت پرفروزی ما کرده اند اما تا این روز ما را از خودمان  
 تا فلیه حال نمودمان را بخوانیم ما همان بی نمودمان را بخوانیم اگر قنول آمان و تا خبر آمانی در نماند پس آوردند و سپاه ایشان بر دهن ما  
 و الا ما را هم در شیدانند اما بی غیر و شیخ دوستستان ابلاست شجاع و شجاعی و نسو و سایر فدایان این فغان تقدس چند و تأیید است  
 و بر نیت نوزادمان را بجا می آورند اگر تیر رسیدند قنول آمان مردم را هیچ کند و حال که هرگز نماند سلام احترام پرفروزی ما را از نوزاد  
 ما انعام بادی بیج اسلام را بیا بر این قاطعه شاعت بپذیم ما تعقیب ذیالات و سایر ایام را بر مردم شفا می بینیم  
 در این اشرف جهان ایران آوردن و با دولت بزرگ اسلامی شرفی بکین اعمال ممالک اسلامی است - اعمال این مردم  
 اعمال این اسلامی است - اعمال قرآن است - اعمال که در دنیا است - اعمال عبادت تقدس است - اعمال شده است  
 اگر لشکرشان را ببردند و ما ما را در یاد دند همان کار راه تیر رسیدند قنول آمان کلمه بی شیم و گوش مردم و با نماند  
 اسلام استیم بوظیفه تقدس شریعه نمودمان عمر خاتم کرد گمان کنند مقصود در این تعزیرات این است که مایه چنانچه ایم و ایمانه  
 سیدیم و بزرگت ایران ضررها جنوب پدید آمده است ما بر حاکم نیستیم ما بر بجز و دوز و مراد صد و حرکات ما باین سیدیم  
 خودمان نمانیم ابلاست شایر خودمان را در مقصود اجانب آگاه ما بدانند اسلام و نظیرت قرآن نظیرت امان تقدس است  
 و بر سلسله باید بوضع نوزادش نمانند رزاقایان چهار هسته ما داریم که کار ابدت مقدرات بگذرند و هر شایر ما در نوزادش  
 تا حق نمودمان را بگیریم دست بر نیدریم

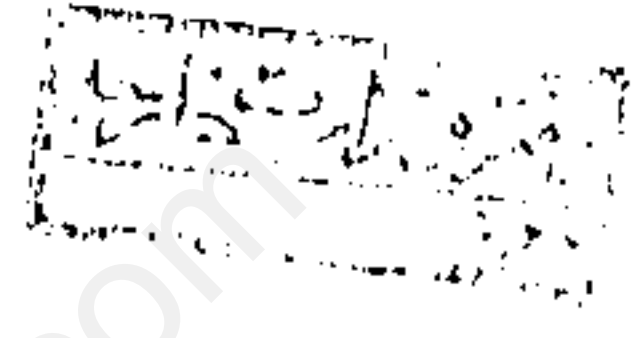
و سلیم الدین خلوی نقیب شعبان  
 وزارت امور خارجه  
 بخش اسناد

تقریر یکی از علماء ایشهر در مسجد نورد حالیکه علماء و تجار کسبه و نمایندگان عزم طبقات دایه ایشهر تصور داشته اند و در نوبه ۱۵ شعبان سال ۱۲۱۱

بسم الله الرحمن الرحیم

بگم شایسته ترین شهر اسلام تجاوز نهند دفاع و جب است سه سال است بدون زلزله در این شهر مایع ضرر مالی و جانانه بجهت نفیس رسیده باشد  
 عده سپاهیان هندی آورده خواهند اسباب بچاتی شوند و بیانش بدست آورند ولی بعصرت و تعالی توفیق شده اند امروز بایک دولت بزرگ  
 که بمایه است در جنگ مشتبه با اینکه هیچ اسلام امر دفاع فرموده اند چون پادشاه محبوب ما پطرفی تقیاً فرموده ما در حائین این در جرای  
 هیچ سلام تقاعد کرده ایم یک ماه قیام در نمره د ایواز و نفر آجر آلمان را بر توطئه فائین مملکت شهر خرم غل و غیره بر کرده تقسیم در امان بوده است  
 مانیم سکوت ما را لویا دسیر رضا کرده اند که بدون دفاع احدی در یک وقت بر توطئه خائن بدو نفر آلمان در عابرسه پدید آوردیم و کج  
 بایک بران ایرانی که نامش این بوده که در آن راه عبور میکرده اسیر نموده می نفر دیگر که قوتول سابق آلمان در بر شهر باشد مردان دفاع کرده اند  
 بر زلفان رسیده باز به شرمانه در فاک طرفی ما اور تعقیب نموده دلیمت مردانه آقای تقیاً بطه در اندر و سایر غیر ما  
 ما بنسب آلمانی را که پند شب است ادم با عده کثیری طرف قوتول خانه آلمان و عمارت آبر آلمانی محاسره نامه و طار  
 د سارقین میکنند از تعاب نموند و طار و سارق مال پند آدم نمیدوند اما همانانی به دعوت ما قدر همان نوزد ما اند  
 همانا غیب به نوزد ما را از دیده اسیر کردند این همان طار است که در آن اگر در کوشش میگردیم سینه بزرگتر از آن که در قوتول  
 پیدا میشد با نسبت میدادند و لطفی که خودشان بر ما این یک مرد و ملک و شهر پنجه ساله مرتازند و جرم نیکین از آنه و گناه را  
 نگاه نمیدارند و در فرصت نمیدهند اما تاسر عورت نماید و سر دیا بر بر نه اورا و نصف شب در این هوا سرد است و باریدند این  
 حرلت را قاهر و لایق صاحبان نظایان یک دولت تمدن میدانند قوتول آلمان را فرصت ندادند لباس پوشا با جان  
 خواب پر آش برزند بعد چون دیدند اگر بچند منظور اورا و در دهنه وستان کشند پیش هندیان خودشان را بچیز شده  
 و اگر بچیز یک دست لباس باو بدهند این ضرر را بر خود محمول نمیشوند نمایند و در روز لباس با قوتول روز باش فرستادند بگویند  
 قوتول آلمان اخبار دروغ با عده سید آیا بچکس از آلمان غیر آلمان در ایندت این عهرا من را بر آنرا کسیت در میدانند خبر  
 سراپا دروغ است چه شده است ما انقدر محبوب آقایان شده ایم که هر روز به کیدسته مانع از بار و زین آلمان سید را میزنند

در این زمان که در کتب لغت و معنی لغت آمده است که در روز شنبه  
 در خراب آنجا که در کتب آمده است که در روز شنبه در خراب آنجا که  
 در کتب آمده است که در روز شنبه در خراب آنجا که در کتب آمده است  
 که در روز شنبه در خراب آنجا که در کتب آمده است که در روز شنبه



www.KetabFarsi.com

اداره مطبوعات  
مجلس شورای ملی



ارگزارى اول بناجر خلیج ایران

اوشهر

اربخ ۹ شهریور ۱۳۲۲  
مهر ۱۳۲۲

مقام شیخ وزارت معینا برزج

اقوات کعبان دربارت فونول را بر دستان ان نه را در ملی و در کتایف نه ۳۰۰۰ و ۳۰۰۰

سردخ داشت عا ۱۱۱ لایین افراد به رویه بیان کردند و یکروز دیگر نو جماع کردند و نشان

کیه از صی و قرائت نو که بر او ش لعا از نظر سارک سکند حکومت متو به برزج نو و به او است نو

دولت عمل مردم رو اسیه در و آنا در تفرق کردند در آنروز و در نه لایه در بر آقی و

کجه انگلیس فیه نزدیک به ص در موجود نو که سر کورده است بهین که صحبت تفرق شد آن

و بعض تمید به پیش مع و بارت بند و بار رفت که با که در طرف خیال نو نو در

که اگر باشد ای برضه انگلیس آید اناسیم در معا بر اقوات شد و نیان

عجاب داده بود که ش را در سطح او امر دولت خبر شد است و مان از نه و ان

و اگر مجاز شد و اقوامی کرد اناسیم هر چه تو باشد بنامید کبک و تو عاب ز لای

انگلیس است که او نه که فونول انان با مع و بار می شول کجا نه بوده کانه سیم که نه

انان به کرده اند و برده نو که بر نه از نو که شبه م با خط و در پیش نه لایه نو که

سنا یرت تا نه داشته تمام خوانین و شش و شستان و شستان سدا و نه فونول انان

تکا کرده نیان نصفه نصفه برزج با نه در سیر خان شبا کفار و خد سال اخلافت

بود و بر سال طین با نهی خارت همه کیر و در می آورده بعضی اقوات چند نفر از طرف

مقتول شدند حکام فارس و بنا در نه نشسته در ایند ت بین این و انفر و اسکات

به ز و افند فونول انان اناسیم با هم تکا کردند چون خوانین و شش و شستان

انگلیسها سده برزج و کب کتی بر نه آورده و شو هستند انان رو پا نه اناسیم و انان

قاین چی او و استماع نو نه که به بر کشتن سوز و سوز با و اناسیم انان حکومت

به انگلیس و طین و در نه ۱۱۱ و شش و شستان بود انان دولت بر نه هم شو اناسیم

و در این جهت هم کار داده و انان را در پیش فونول انان انان

شرف و به شبراز در سوز انان بند و سر خط مستر غا به بود است بر نه خدایه لایه

خود کو بود حاجب و در ان در ان در کاه است سر پسی کاکس خیرال فونول انگلیس

نمده ای به تمام خوانین در کوه و شستان و عمل بر نه بوده سوز در انان

مردم را باز کند ما که علما اسلام هستیم به وظیفه مقدّسه شرعیّه خودمان عمل خواهیم کرد. گمان نکنند مقصود از این تقریرات این است که ما یک هیجانی می‌کنیم و بهانه بدستشان می‌دهیم. دیگر ملت ایران خصوصاً جنوب بیدار شده است. ما اهل جنگ نیستیم. ما اهل بلوی و دعوی و سرو صدا و حرکات جاهلانه نیستیم. ما بوظیفه خودمان عمل می‌کنیم. ایلات عشایر خودمان را در مقصود اجانب آگاه که بدانند اسلام در خطر است. قرآن در خطر است. اماکن مقدسه در خطر است و هر مسلمانی باید بوظیفه خودش عمل کند. از آقایان حضار استدعا داریم که کار را بدست عقلاء ملت بگذارند و هر کس مشغول کار و شغل خودش باشد تا حق خودمان را نگیریم دست بر نمی‌داریم. وسیعلم‌الذین ظلموا ینقلب ینقلبون

در نصف شب در این هوای سرد به سمت دریا می‌دوانند. این حرکت را قابل و لایق صاحب‌منصبان نظامیان یک دولت متمدن می‌دانند. قونسول آلمان را فرصت ندادند لباس بپوشد با جامه خواب بیرونش بردند و بعد چون دیدند اگر بخواهند این طور او را وارد هندوستان کنند، پیش هندیان خودشان را بی‌آبرو می‌کنند و اگر بخواهند یک دست لباس به او بدهند این ضرر را بر خود هموار نمی‌توانند نمایند، دیروز لباسهای قونسول را دنبالش فرستادند. می‌گویند قونسول آلمان اخبار دروغ را اشاعه می‌داد. آیا هیچکس از آلمان و غیر آلمان در این مدت این اعتراض را بر آنها کرد کیست که نمی‌داند اخبار روتر سر پا دروغ است. چه شده است که ما این قدر محبوب آقایان شده‌ایم که هر روزه یک دسته کاغذ اخبار دروغ ترجمه می‌کنند و برای ما می‌فرستند. ما جنگجو نیستیم ما طالب سلم و صلحیم ولی دست از حق مشروع خودمان بر نمی‌داریم. دولت ما در جنگ اروپا بی‌طرف است. خاک ما مقدس است. ایران مهمان دوست و مهمان نواز است. به خاک مقدس ما تجاوز کرده‌اند هتک حرمت بی‌طرفی ما را کرده‌اند. مهمانهای بی‌آزار ما را دزدیده‌اند. ما تخلیه خاک خودمان را می‌خواهیم ما مهمانهای خودمان را می‌خواهیم. اگر قونسول آلمان و تاجر آلمانی و زنش را پس آوردند و سپاهیان را بردند فبها والا ما را هم که شهید کنند، اهالی غیور دشتی و دشتستان ایلات شجاع قشقایی و خمسه و سایر فداییان این خاک مقدس هستند و تکلیف اسلامیّت دایر امنیّت خودشان را به جا می‌آورند. اگر می‌ترسیدند. قونسول آلمان مردم را تهییج کند و حال آنکه هرگز نکرد. حالا که احترام بی‌طرفی ما را منظور نداشتند، ما احکام جهادیه حجج اسلام را با براهین قاطعه اشاعت می‌دهیم. ما حقیقت خیالات همسایگان را بر مردم آشکار می‌سازیم. می‌گوییم اصل مقصود از این لشکر به خاک ایران آوردن و با دولت بزرگ اسلامی مثل عثمانی جنگیدن اضمحلال ممالک اسلامی است. اضمحلال دین اسلام، اضمحلال ملل اسلامی است. اضمحلال قرآن است. احتلال مکه و مدینه است. احتلال عتبات مقدسه است. احتلال مشهد رضوی است. اگر لشکرشان را نبردند و مهمانهای ما را نیاوردند همان کاری که می‌ترسیدند قونسول آلمان بکند یعنی چشم و گوش

عموم طبقات اهالی بوشهر حضور داشته‌اند در روز جمعه ۲۵ شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۳۳۳

### بسم‌الله الرحمن الرحيم

به حکم شرع اگر ذمیتن به ثعر اسلام تجاوز کنند دفاع واجب است سه سال است بدون اینکه در این شهر ما هیچ ضرر مالی و جانی به تبعه انگلیس رسیده باشد، عده سپاهیان هندی آورده می‌خواهند اسباب هیجانی شوند و بهانه بدست آورند. ولی به فضل‌الله تعالی موفق نشده‌اند. امروز با یک دولت بزرگ اسلامی که همسایه ماست در جنگ هستند. با اینکه حجج اسلام امر به دفاع فرموده‌اند چون پادشاه محبوب ما بی‌طرفی اختیار فرموده ما روحانیین این بلد در اجرای امر حجج اسلام تقاعد کرده‌ایم یک ماه قبل در محمره و اهواز دو نفر تاجر آلمانی را به توسط خائنین مملکت مثل خزعل و غیره اسیر کردند، گفتیم در شهر ما نبوده، ساکت ماندیم سکوت ما را گویا دلیل رضا گرفته‌اند که بدون اطلاع احدی به بندر ریگ رفته بتوسط حیدر خائن به دو نفر آلمانی که عابر سبیل بود هجوم نموده یکی را با یک جوان ایرانی که گناهِش این بوده که از آن راه عبور می‌کرده اسیر نموده یکی نفر دیگر که قونسول سابق آلمان در بوشهر باشد مردانه، دفاع کرده، خودش را به برازجان رسانیده، باز بی‌شرمانه در خاک بی‌طرفی ما او را تعقیب نموده ولی به همت مردانه آقای عضف‌السلطنه و ژاندارمهای غیور ما نتوانستند صاحب‌منصب آلمانی را بگیرند. شب بیست و دوّم با عده کثیری اطراف قونسول خانه آلمان و عمارت تاجر آلمانی را محاصره نموده و کاری را که شبروان و سارقین می‌کنند ارتکاب نمودند ولی طارق و سارق مال می‌برند آدم نمی‌دزدند و اما مهمانهای بی‌دعوت ما قدر مهمان نوازی ما را ندانسته مهمانهای نجیب بی‌آزار ما را دزدیده اسیر کردند. این همان کاری است که (رسولی) اگر در مراکش می‌کرد متمدنین دنیا هر کلمه زشتی که در قاموسشان پیدا می‌شدند به او نسبت می‌دادند ولی وقتی که خودشان بر بالین یک مرد و یک دختر هیجده ساله می‌تازند و احترام یک زن بی‌خبر از تقصیر و گناه را نگاه نمی‌دارند و او را فرصت نمی‌دهند که اقلّاً ستر عورت نماید و سر و پای برهنه او را

قونسولگری انگلیس اشاعه دادند که قونسول آلمان با علی دلباری مشغول مکاتبه بوده، کاغذیهم که مدعی بودند در قونسولگری آلمان پیدا کرده‌اند و بدارالحکومه بردند. از قراریکه شنیدم با خط و مهر رئیس علی که در دفتر حکومتی ضبط بوده مغایرت تامه داشته. تمام خوانین دشتی و دشتستان و تنگستان بعد از واقعه قونسول آلمان با هم اتحاد کردند. فیما بین عضفرا السلطنه برازجانی و اسمعیل خان شبانکاره چند سال اختلاف و منازعه بود و هر سال طرفین مبالغی خسارت به همدیگر وارد می‌آوردند و بعضی اوقات چند نفر از طرفین مقتول می‌شدند. حکام فارس و بنادر نتوانستند در این مدت بین این دو نفر را اصلاح نمایند. بعد از واقعه قونسول آلمان آنها هم با هم اتحاد کردند. چون خوانین دشتی و دشتستان با هم متحد شدند انگلیسها عده سرباز در یک کشتی به بوشهر آوردند و می‌خواستند آنها را پیاده نمایند. اولاً تمام قایق‌چیها ابا و امتناع نمودند که به برد کشتی بروند و سرباز پیاده نمایند. ثانیاً حکومت محلیه به انگلیسها اطمینان دادند که اهالی دشتی و دشتستان بدون امر دولت به بوشهر هجوم نخواهند آورد و از این جهت تأمین کامل دادند و آنها را از پایین نمودن قشون منصرف کردند. واقعاً مصداق شعر خواجه شیرازی در مورد این بندر و سرحد معتبر ظاهر و هویدا است. هر که خواهد گویاد هر که خواهد گو برد. حاجب و دربان در این درگاه نیست. سرپرسی کاکس جنرال قونسول انگلیس تلگراف متحدالمالی به تمام خوانین و رؤسای دشتی و دشتستان و علمای آنجا نموده بود که سواد آنرا در اینجا با اوراق ژلاتینی منتشر کردند. یک نسخه از آن لفاً از عرض نظر مبارک می‌گذرد. دیروز سواد جوابیکه جناب آقای شیخ محمد حسین به سرپرسی کاکس مخابره نموده بدست آمد که صورت آن نیز لفاً انقاد شد. چیزیکه محل استعجاب عامه اهالی است این است که تلگراف متعدده که علما و اهالی و مأمورین به مجلس مقدس و وزارتین جلیلتن عرض کرده تاکنون به جوابی نائل نشده است. امضاء

تقریر یکی از علماء بوشهر در مسجد نو در حالیکه علما و تجار و کسبه و نمایندگان



شماره سند: ۷۵

فرستنده: کارگزاری اول بنادر خلیج فارس

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: اجتماع مردم بوشهر در مسجد نو آنشهر در اعتراض به عملیات سوء انگلیسها در منطقه و دستگیری قونسول آلمان توسط آنها.

تاریخ: ۹ شهر جمادی الاولی ۱۳۳۳ هـ ق

نمره: ۱

متن سند:

## مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

اقدامات انگلیسان در اسارت قونسول و تاجر و خانم آلمانی را در طی دو تلگراف نمره (۳۷۷) و نمره (۳۷۸) معروض داشت. عامه اهالی از این اقدام بی‌رویه بهیجان آمدند و یکروز در مسجد نو اجتماع نمودند و لایحه یکی از علماء قرائت نمود که سوادش لفاً از نظر مبارک می‌گذرد. حکومت محلیه به مسجد نو رفته و به اقدامات مؤثره دولت علماء مردم را امیدوار و آنها را متفرق نمودند. در آن روز در مدتی که اهالی در مسجد اجتماع داشتند یک کشتی جنگی انگلیس خیلی نزدیک به ساحل در جلو قونسولگری لنگر انداخت. همین که جمعیت متفرق شد. آن کشتی هم حرکت نمود و محض تهدید به رئیس علی دلباری<sup>۱</sup> به بندر دلبار رفت. گویا کاغذی از طرف جنرال قونسولگری به رئیس علی نوشته بود که اگر اقدامی بر ضد انگلیس نماید آنها هم در مقابل اقدامات شدید می‌نمایند و رئیس علی که از قرار مذکور جواب داده بود که مشارالیه مطیع اوامر دولت متبوعه‌اش هست و بدون اجازه دولت علیه هیچ اقدامی نخواهد کرد و اگر مجاز شد و اقدامی کرد آنها هم هر چه می‌توانند بنمایند. یک ورقه چاپ ژلاتینی

۱. رئیس علی دلباری: رئیس علی پسر زایر محمد از طایفه نیامنی و کدخدای دلبار بود. وی به سال ۱۳۳۴ هـ ق به هنگام درگیری با متجاوزین انگلیس با تیر شخصی بنام غلامحسین تنگکی به قتل رسید.

و له سهرانی و آب اویست آنها همیشه و از آنجا به برزجان فرار میکنند و آنجا را اندر برزجان میگویند  
 و بگردد یعنی زاندر برزجی همدرد عظیم بنیاد بر سر میکند مردم بر نهد نفس بر آنرا از برزجان بخارزدن بر نهد  
 چه روزی میان و بعد از آن کوشش میسازد مردم بهمان در آوردن مشقت زاندر برزجان و کنگ بنیاد بر نهد

زاندر مرد و لو شیراز میورد و فوراً بر باز خانه زاندر مرد میروند و آنجا به عت میسازند تا اینکه فراتر آید که برای او  
 میفرستد و او به باریت کد میآورد و بعد از آن هر دو همکس میباشند در بر باز خانه باز و آنجا بر او بر سر قبول

در میان آب هر دو همکس او را میباید میوه و خج میوه بوده و مقصود این بهم است که آنرا از چاه و میان بندند

بر ضد بکنها بر آنرا از آن جهت فون ثابت میوه هر دو همکس در یک مکتب بگذرد از آنکه آن دو همکس در  
 مشرف قرار میگیرد تا هم به است از بخار خیره و نجاست رسیده هر دو همکس حال منظر حکام بهاران است

تا نور در رطبه خوب بنام مقصود از آن ترطه این است و فونزل در آن کور بکنس و بگردد بهر قدری در آنجا کار کوزان

بکنس مجرب هم از آن نظر میباشند و ساد و کله و کله در آنجا در بر نهد چو فای و آن الموده بخورند از آن

طبع و از آن تصنع وقت است و بخوریم کله در آنجا ساد و هرگاه ترطه هر همکس مجموع هر کوزان شود و غنمه

و ضمیر برای ایران فهم داشت چو که اول نقد عمراز بگردد زاندر مرد و همگان بود آن معلوم میوه فای

بر دست و خوسو و من غیر بکنس قرار دهم از قصد خود و بگردد

www.kermanlib.com  
 Kerman Library  
 بخش اسناد



بریت

حجبه الحاریح در ۲۸ مه حال جانب خطاب هر سه ان اودله فرود بعد سرد آرتونی طرف دلو در کت  
 در خصص سابقه هر دو همکس قول سابق آنال در برتر بر  
 ریکه جانب فاین گفتان عثمانی شروع کرد این اورد و قبح آنکه در با سول بود و سبت یات مسیون که سهر لو سنج  
 سین سکود با اریست آنانی بود و با ایران در فینان آمد بهر گفتنها تریله گفتند نانه از زینته و خود  
 بت گفتنها فاده نمیده ثابت میوه وزیر از با جاعده میوه در برش من در حال در کت است و در فینان  
 در برت خد بغه آکاش در سر عثمانی و ایران عالی فاین کرار با امدع دولت ایران سالیس نه فرود سین  
 و مقصود این بوده در ایران گفتا شریک با نوده خواهر خواهر دولت ایران سیکه خنده در خند خبر کنند معلوم است  
 که هر دو همکس با بر شمن و فاین بوده است نانه دلی هم که میوه در فرود با اود بجهت و وزیر در  
 گفتان همکس اند که دولت ایران بخوبی امدع داشته اند و یک سین آمانه با بول زیاد قصد دلو از راه ایران  
 با فینان دیندشان ربه که در آنجا حاسات خبر میوه بر ضد گفتنها بر اتمراز اول فغه خندان  
 رسید این بود که راه و اردو ترش دفور انبار بخوار علی در دم که از ده در جهاد حرکت نماند بود انان ایراد  
 سعادت خورده که او سالها بیزار بر سار سردار خند با یک چای تمس او بجا آورده معلوم میوه با تعاریف  
 هر دو همکس نوشته است در اهوره بهبهان مسافرت کند در یک از این نقاط با نیت جهت سفر است  
 خبر مردم کردیم و جهاد بر عطف نموده در حال بندر یک هر دو همکس از فادان بت گفتنها فرود

فتنه و فساد و ائمه وکلای آلمان در بوشهر بنمایند. چون جناب معاونالدوله بخوبی از این فقرات اطلاع دارند تزییع وقت است که به خواهم جناب معزی‌الیه را ملتفت سازم که هر گاه توطئه هرواسموس به موقع اجری گذارده شود چه نتیجه و خیمی برای ایران خواهد داشت. چرا که او فقط می‌تواند به کمک ژاندارمری و صاحب منصبان سوئدی آن که معلوم می‌شود نقاب از چهره برداشته و خود را دشمن علنی انگلیس قرارداده‌اند قصد خود را مجری سازد.

Walter Twinely.

زیادی قصد دارد از راه ایران به افغانستان و هندوستان برود که در آنجا احساسات مذهبی مردم را بر ضد انگلستان برانگیزاند. اول دفعه که خبر از واسموس رسید این بود که مشارالیه وارد شوشتر شده و فوراً بنای اغوای علما و مردم را گذارده که در جهاد شرکت نمایند. بعد از آن از سردار جنگ معاونت خواسته که او را سالمأ به شیراز برساند. سردار جنگ با یک چابکی ملتمس او را به جا آورده که معلوم می شود سابقاً ترتیب آن داده شده و هر واسموس توانسته است که به رامهرمز و بهبهان مسافرت کند و در هر یک از این نقاط با نهایت جدیت مشغول تهییج احساسات مذهبی مردم گردیده و جهاد را موعظه می نموده. در حوالی بندر ریگ هر واسموس از افتادن به دست انگلیسها فرار می نماید ولی همراهان و اسباب او بدست آنها می افتد و از آنجا به برازجان فرار می کند. در آنجا ژاندارمری از او محافظت می نماید و به کمک و تصدیق ژاندارمری برای جهاد موعظه می نماید و سعی می کند که مردم را بر ضد انگلیس برانگیزاند. از برازجان به کازرون می رود. در آنجا چند روزی می ماند و جداً سعی و کوشش می نماید که مردم را به هیجان درآورد. مثل سابق ژاندارمری به او کمک می نماید. بالاخره با مستحفظین ژاندارمری وارد شیراز می شود و فوراً به سربازخانه ژاندارمری می رود و در آنجا دو ساعت می ماند تا اینکه فرمانفرما کالسکه برای او می فرستند و او را بعمارت حکومتی می آورند. معلوم می شود که هر واسموس می خواسته در سربازخانه بماند ولی ماژور پراویتس<sup>۱</sup> قبول نمی کند. در میان اسباب هر واسموس اوراقی پیدا می شود که خیلی مهیج بوده و مقصود این بوده است که اهالی افغانستان و مسلمانان هند را بر ضد انگلیسها برانگیزاند. از فقرات فوق ثابت می شود که هر واسموس در یک مملکت بیطرف از وقتیکه وارد ایران شده رفتار او مثل رفتاریک نفر متخاصم بوده است. از اخبار اخیر که به سفارت رسیده هر واسموس حال منتظر احکام طهران است که اقدام ثانوی در توطئه خود بنماید که مقصود از آن توطئه این است که قونسول و قونسولگری انگلیس را بگیرد برای تلافی اقدامی که کارگذاران انگلیس مجبور بوده اند که نظر به

شماره سند: ۷۴

فرستنده: سفارت انگلیس در تهران

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: سوابق واسموس<sup>۱</sup>

تاریخ: ربیع الثانی ۱۳۳۳ هـ ق

نمره: —

متن سند:

## یادداشت

بر حسب اظهار میلی که در ۲۸ شهر حال جناب مستطاب اجل معاون الدوله فرموده بودند، سر والتر تونلی شرف دارد که بعضی اطلاعات در خصوص سابقه هرو واسموس قونسول سابق آلمان در بوشهر بدهد.

وقتی که جنگ فیما بین انگلستان و عثمانی شروع گردید این مأمور و مهبیج آلمانی در اسلامبول بود و به سمت ریاست میونی که مشتمل بود به پنج نفر معین می گردد. مأموریت آنها این بود که به ایران و افغانستان آمده برای انگلیسها تولید مشکلات نمایند. از نوشتجاتی که جزو اسباب مشارالیه به دست انگلیسها افتاده، این مسئله ثابت می شود و نیز از همان جا معلوم می شود که شانمن<sup>۲</sup> که حال در کرمانشاهان است و رفتار مظنونانه در مدت چند هفته اقامتش در سرحد عثمانی و ایران حوالی خانقین کراراً به اطلاع دولت ایران رسانیده شده جزو همین میسیون بوده و مقصود این بوده و در ایران اغتشاش بر پا نموده خواهی نخواهی دولت ایران را به کمک عثمانی در جنگ داخل کنند. معلوم نیست که هرو واسموس با هرشنمن در خانقین بوده است یا نه ولی همچو گمان می رود که در بغداد با او بوده است و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلستان همچو می داند که دولت ایران به خوبی اطلاع داشته اند که یک میسیون آلمانی با پول

1. Wassmus

2. schunemann

بسیار که در مورد تعدادی دستگاهها که در ایران گذاشته شده به دفتر دفتر داران  
 ایجاب شرکت در وقت داشته اند و اینکه ضروری است برای دولت ایران دارد  
 که نسبت قسمتی از آن دستگاه که تقدیر شده بود برابر سرشدها برابر هر کس قسمتی که  
 بعد دارد هم هنوز در دفتر است

درین سائت به دفع دقیق و موطن بود چه سرشدها نماید و به مهم ایجاب  
 خواهد بود در آن راهها خواننده بحث برانگیز است که در وقت در وقت سرشدها  
 اینها را بگذرانند که در کتب خود است خواه ما را باری قرار هم ایجاب خواهد بود

ایران را تهیه کند  
 وزارت امور خارجه  
 دفتر اسناد  
 رصفاء (دائر تونخ)

دفتر اسناد و کتابخانه  
 شماره ۲

[حاشیه:]

- اداره دول غیر مجاوره

Teheran, den ۱۵ ژولیه ۱۹۱۵

Kaiserlich  
Deutsche Gesandtschaft  
für Persien.

Teheran.

No. ۵۳.

جناب جناب سرکار سفیر ایشرفه بزرگوار

یکینفر از اشیاع اطریس که در مشهد در کارخانه آلان موسوم به موفمان مستخدم بمی و فیض و اولیای طهران  
به سفارت امپراطور اطمین میدهند که در روز ۲ ژوین یعنی تقریباً بیست روز قبل مرسد موفمان  
توسط آلان به کارگذار مشهور حضرتش باسم اینکه بیک صاحب منصب آلان که از رویه در موفمان  
تقدیمات کند هنگامیکه ایشان را به کارگذار رسید با و گفته اند صاحب منصب آلان حرکت کند  
در مذبحه سران روس مرسد موفمان را دستگیر نمیدارند و روانه کنند و داران اول طرف کارگذار  
نمودم شد

درست از نهایت صیرت و تعجب را دارم از اینکه چنین اتفاقی فقط بوسیله شخص که از مشهد  
به سفارت آلان رسید و در طرف اینجاست روز بیخ را بورد از طرف کارگذار مرسد



ولیدر گسیه است چه اگر در پرتو در این موضع ولیدر شش بوالهله اولی در حرکت علیه بر آب را  
بدو ستدار افسح میدادند

تتمیز است توضیحات لدر مبر در این موضع لدر کار گذار ایالتی خوا که در ضمن تحقیق  
با آن صحنه صبا که که به گفته کار گذار و او سهند شش نیز مانند که چگونه تا کنون  
بلکه آن در موشنیم است در این موقع لقرام ص فائقه را بگویم بر میکار



Handwritten signature in Persian script.

در راه دولتی کار

شماره سند: ۹۱

فرستنده: سفارت آلمان در تهران

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: حمله مسلحانه به قونسولخانه آلمان در شیراز

تاریخ: ۲۶ ژوئیه ۱۹۱۵

نمره: ۵۳۵

متن سند:

جناب مستطاب دوستان استظهارا مشفقا مکرم مهربانا

موافق اطلاعی که از شیراز تلگرافاً به دوستدار رسیده معلوم می شود در شب شنبه قونسولخانه آلمان مورد حمله چهار نفر واقع شده پس از رد و بدل تیر تفنگ با ژاندارمهای گارد قونسولگری مجرمین بدون وصول به سوء قصد خود فرار نموده اند.

دوستدار با مساعدتی که در تغییر مسیو واسموس<sup>۱</sup> با اولیای دولت علیه ابراز نموده ابدأ انتظار وصول چنین خبری را نداشته از آن جناب مستطاب متمنی است تعلیمات فوریه به ایالت جلیله فارس در تعقیب و مجازات مرتکبین صادر فرمایند.

در این موقع احترامات فائقه را تجدید می نماید.

[حاشیه]:

- اداره دول غیر مجاوره

Kaiserlich  
Deutsche Gesandtschaft  
für Persien.

Teheran, den ۲۹ ژولیه ۱۹۰۱

Teheran.

No. ۵۳۵

جناب آقای جناب استیوار سفارت ماگن مورگان

مراحم اطلاع فرمایم که از شیراز تگرافاً بدو ستاد رسید معلوم میشود در شب گذشته قونسولان آن امور صلح چهار نفر  
و آنی نیز پس لندردو بهل تیر تفنگ باز انداز مهابکار و قونسولگر مجربین بدون و حمل به سو قصد نمود  
فرار نمودند  
هم ستاد را با متسا عدت که در تفسیر میسود اسکوک با اولی در حواله علی  
ابرا از نمود ابراً استعار و حمل چنین خبر را انداخته لذا آن جناب مستحق است تعقیبات فوراً  
بایالت جلیله فارس در تعقیب و مهارت متربکین صادر فرمایند

در استنطاق اصرا مات فائده را تجدید نمایند

Heinrich xxxxx

لاراه سال مورگان

شماره سند: ۹۲

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: سفارت انگلیس در تهران

موضوع: درخواست اعاده اموال مسیو واسموس<sup>۱</sup>

تاریخ: ۱۳۳۳ هـ ق

متن سند:

جناب جلالت و بنالتماب فخامت و مناعت انتساب دوستان استظهار

مشفق مکرم مهربانا

موافق اخبار واصله باولیای دولت اعلیحضرت شاهنشاهی کاپیتن نوئل<sup>۲</sup> نایب قونسول دولت فخیمه انگلیس به قصد دستگیری مسیو واسموس قونسول آلمان مأمور شیراز و همراهان او که عبارت از یک نفر آلمانی و محمودخان ایرانی بوده‌اند، در بندر ریگ بعضی تشبثات می‌نماید. مسیو واسموس در شب پانزدهم حوت از بهمیناری<sup>۳</sup> فرار کرده سلامت به برازجان وارد می‌شود. اما بنه و اموال او را که از قرار مذکور معتنابه بوده است، با آن دو نفر آلمانی و ایرانی از بندر ریگ به کشتی انگلیسی برده و بعد محمودخان را به بندر مزبور عود داده‌اند. دوستدار به این واقعه اسفناک که مخالف رعایت بی‌طرفی دولت علیه و موجب تجزی ایلات گردیده مساعی دولت را در اسکات افکار عامه هدر می‌دهد، اعتراض نموده، از آنجناب جلالتماب انتظار قوی دارد که بجهة اعاده آن یک نفر آلمانی و اموال مسیو واسموس در نزد دولت اعلیحضرت پادشاه انگلیس اقدامات به عمل آورده به حصول نتیجه مطلوبه دوستدار را قرین امتنان فرمایند. در این موقع احترامات فایقه را تجدید می‌نماید.

1. Wassmus

2. Noel

۳. بهمیناری یکی از آبادیهای دهستان حیات داود می‌باشد.

شماره سند: ۸۳

فرستنده: کارگزاری شیراز

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ملاقات واسموس<sup>۱</sup> با محمد علیخان کشکولی و صولت الدوله

تاریخ: ۲۸ جمادی الثانی ۱۳۳۳ هـ ق

نمره: ۱۲۴۹

متن سند:

از شیراز

واسمس به شیراز مراجعت در ذهاب و ایاب با محمد علیخان کشکولی در شاپور و صولت الدوله در سیاخ و بعضی از خوانین جزو در بین راه ملاقات کرده و قیاساً معلوم است که صحبت و مذاکرات با آنها در چه زمینه باید بوده باشد. ۲۷ جمادی الثانی، نمره ۲۷

غلامعلی

حاشیه:

فوری،

- اداره دول غیر مجاوره و انگلیس، با این تفصیل سفارت المان این شخص را به سمت قونسولگری شیراز معرفی و اجازه داده اند که بیرق بیافراشاند. فوری جواب مراسله آخر سفارت را مرقوم و مضار توقف این شخص مفسد را در حدود فارس مرقوم دارید.

۸۱۱

|                 |            |
|-----------------|------------|
| <del>۱۹۱۱</del> | نمره عمومی |
| ۱۹۵۵            | نمره خصوصی |
| ۹۹              | کارتن      |
| ۲۵              | دوسیه      |

|                  |        |
|------------------|--------|
| نوع مسوده        | سرپرست |
| موضوع مسوده      |        |
| تاریخ            |        |
| پاکت نویسی کننده |        |

وزارت امور خارجه

اداره اول فریب وره

تاریخ ۲۲۷ ۲ ۱۳۳۳

بقرار اخبار که برداشت امروزه ریسک میبرد و همگی با اینکه هنوز از طرف  
 دولت علیه نسبت رسمیت رسیده است بیغرض حاکمیت از برادر حرکت کرده  
 و در میان طرفین و امیدت مانع معتمدان و اقدامات در تکرار عملیات  
 تا برای مردم است بقرابت اودا از این رو منع نمایند و قیاس را که  
 کرده عمده با اقدامات و نقلی که در این رساله برآید ما برریت اودا در  
 دنیای سخن مهربان قدر دانسته



شماره سند: ۸۲

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: سفارت آلمان در تهران

موضوع: در باب رفتن واسموس<sup>۱</sup> به نزد ایلات و طوایف فارس

تاریخ: ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۳۳ هـ ق

متن سند:

به قرار اخباری که به وزارت امور خارجه رسیده است، مسیو واسموس با اینکه هنوز از طرف دولت علیه به سمت رسمیت شناخته نشده است، به بعضی خیالات از شیراز حرکت کرده و در میان طوایف و ایلات فارس مشغول پاره اقدامات و تولید اختلاف است. بنابر این لازم است به فوریت او را از این رفتار منع نمایند که قبل از آنکه سوء نتیجه به اقدامات او تعلق گیرد. اولیای دولت علیه بتوانند مأموریت او را در آتیه به حسن قبول تلقی نمایند.

No: 510..

۱۵۱۰  
تجدید بیعتات

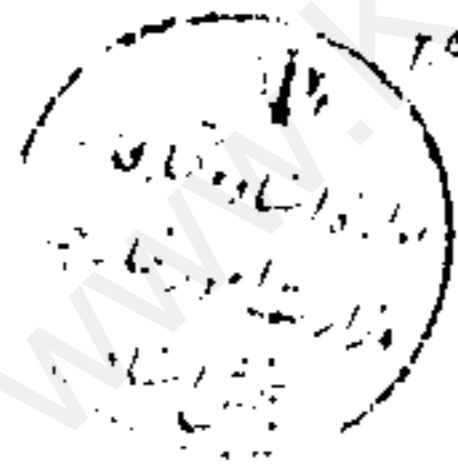
Excellence,

N'ayant reçu jusqu'à présent aucune réponse de la part du Ministère des Affaires Etrangères de la note de la Légation Impériale du 14 Mars 1915 sub No:466 au sujet de la nomination du Consul Waesmuss à Sahiras, j'ai l'honneur de communiquer à Votre Excellence que je viens de donner les ordres à Monsieur Waesmuss de hisser le pavillon allemand sur le Consulat Impérial à Sahiras.

Veillez agréer, Excellence, les assurances de ma haute considération.

Le Ministre d'Allemagne

Heinrich von Tschammer und Pargana



Motamen-es-saltaneh

Ministre des Affaires Etrangères.

دولت امور خارجه  
تجدید بیعتات  
دولت امور خارجه

قوانین دولت در دست است  
بهره‌برداری از راه‌آهن  
در دست دولت است  
بکتاب بیعت که در دست است  
که در دست است

در دست است

تاریخ

Son Excellence



شماره سند: ۸۱

فرستنده: سفارت آلمان در تهران

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: تعیین مسیو واسموس<sup>۱</sup> به سمت قونسول آلمان در شیراز

تاریخ: ۱۱ مه ۱۹۱۵

نمره: ۵۱۰

متن سند:

ترجمه مراسله سفارت آلمان نمره ۵۱۰

جناب محترم السلطنه وزیر امور خارجه، چون تاکنون از طرف وزارت امور خارجه به یادداشت این سفارت امپراطوری مورخه ۱۴ مارس ۱۹۱۵ نمره ۴۶۸ دایر به تعیین واسموس به سمت قونسول آلمان در شیراز از جوابی نرسیده است، با نهایت توقیر به استحضار آن جناب می‌رساند که دوستدار به مسیو واسموس امر داده آنجناب که بیرق آلمان را در روی قونسولگری امپراطوری در شیراز برافراشته. موقع را مغتنم ... هانری رویس<sup>۲</sup> ۳۱

[حاشیه]:

- فوری، اداره دول غیر مجاوره، سابقه واسموس را از کابینه سؤال کرده جواب را به این

مراسله مرقوم دارید.

1. Wassmus

2. Henri Reuss



وزارت امور خارجه

اداره دائره

مورخه ۱۳ خ ۱۳۲۲

نمره ۱۱۳۵

صمیمه

انترایج رفر شراز

والسوس در روز از شراز رفته از قرار اظهار یکم خود شراز حرکت کتبا بابت  
 کرده مقصد شراز برانجهان و مقصود شراز صرف در بقیه اشیا متعلق به شراز  
 باشد بوده است و ایات با موقع و نامناسب بودن این قصد را جواب  
 بش رالی نوشته فرستاده اند. بعضی را عقیده این است که بر این علاقات  
 : صورت الدوله در این روزها بقاعده باید در حواله کارزون باشد رفته



۱۳ خ ۱۳۲۲

دولت ایران  
 سفیر  
 وزارت امور خارجه  
 بخش اسناد و کتابخانه

شماره سند: ۸۰

فرستنده: کارگزاری شیراز

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: در باب عزیمت و اسموس<sup>۱</sup> از شیراز به برازجان

تاریخ: ۲ جمادی الثانی ۱۳۳۳ هـ ق

نمره: ۱۱۳۹

متن سند:

#### استخراج رمز شیراز

واسموس دیروز از شیراز رفته از قرار اظهاریکه خودش پس از حرکت کتیباً به ایالت جلیله کرده مقصدش برازجان و مقصودش تصرف در بقیه اشیاء متعلق به قنسولگری بوشهر بوده است و ایالت بی موقع و نامناسب بودن این قصد را جواباً به مشارالیه نوشته فرستاده‌اند. بعضی را عقیده این است که برای ملاقات با صولت‌الدوله که این روزها به قاعده باید در حوالی کازرون باشد، رفته است.

۱۲ ج نمره ۲۱، غلامعلی

[حاشیه]:

- فوری، اداره دول غیر مجاوره با سفارت مذاکره و معایب این تشبثات را خاطر نشان

نمایند.



وزارت امور خارجه

ترجمه مرامنامه ایان مورخه ۱۴ آذر ۱۳۱۵

جناب آقای سعید احمد وزیر امور خارجه

جناب آقای دکتر آقاخان آغاخان در طرفت ایجاب در موضع امدادات است و نسبت به  
 نسبت حکمران بر اثر که ظاهر در عهد که بموسسه ایان قبول در اطوری ایان  
 در شهر مزبور دارد امر حرکت داشته است و منظور در خصوص امدادات است  
 و از بانکداری دکتر لاندو که جوابی باین نداشت مرمت نموده است در ایجاب  
 رسد و دارم از امدادات است و در خصوص که کور با ایجاب نرا که  
 منهدم نموده و زبانه زمین در موع کور در ایجاب که سوال تمام خدایت  
 را به حرامی نایکه در مراد است سابقه خود برای است تمام منهدم است

خواهر بود مراد است چنانچه  
 (کار و عمل)

شماره سند: ۷۹

فرستنده: سفارت آلمان در تهران

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: همکاری حکمران بوشهر در حمله به مسیو لیستمان<sup>۱</sup> قونسول آلمان در بوشهر،استخلاص مسیو لاندرس<sup>۲</sup>

تاریخ: ۱۴ آوریل ۱۹۱۵

نمره: ۴۸۸

متن سند:

جناب آقای معاون الدوله وزیر امور خارجه

چون تاکنون متأسفانه از طرف آن جناب در موضوع اقدامات دولت علیه نسبت به حکمران بوشهر که ظاهراً در حمله که به مسیو لیستمان قنصل امپراطوری آلمان در شهر مزبور وارد آمده شرکت داشته است و همینطور در خصوص اقدامات دولت دائر به استخلاص دکتر لاندرس جوابی به این سفارت مرحمت نشده است، از آن جناب استدعا دارم از اقدامات دولت در این خصوص که مکرر با آن جناب مذاکره نموده‌ام مستحضر فرمایند و ضمناً در این موقع تکرار می‌نماید که مسئول تمام خسارات و بی‌احترامی‌هاییکه در مراسلات سابقه خود بدان اشارت نموده‌ام، دولت ایران خواهد بود. مراتب احترامات ...

(کاردورف)<sup>۳</sup>

ظهر سند:

- اداره دول غیر مجاوره، از وزارت داخله نتیجه خواسته شود و با حاصل مطلب به وزارت داخله راپورت نمایند. ۲۳ جمادی‌الثانی به کابینه رسیده است.

1. Listemann

2. Lenders

3. Kardorff

شماره سند: ۷۸

فرستنده: تلگراف کارگزاری شیراز

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: در باب هم منزل شدن سید حسن حبل المتین با واسموس<sup>۱</sup>

تاریخ: ۲۵ جمادی الاول ۱۳۳۳ هـ ق

نمره: ۱۰۰۰

متن سند:

تلگراف رمز

آقا سید حسن حبل المتین به هر زحمت و ملاحظه است رفته با واسموس هم منزل شده

است

۲۵ جمادی الاولی، نمره ۷ غلامعلی



وزارت امور خارجه

اداره دائره

مورخه ۲۵ صفر الاول ۱۳۳۳

نمره ۱۰۰۰

صمیمه

تلگراف شیراز

آقا سید حسن حبل المتین هر زحمت و ملاحظه است رفته با واسموس هم منزل شده

ش.ه.ت ۲۵ صفر الاول ۱۳۳۳

نمره عمومی ۱۵۹۱۹  
 نمره خصوصی ۲۲۲۱  
 کارتق  
 دوسیه

نوع مسوده جواب عماد اعظم لیسبر  
 موضوع مسوده  
 ضمیمه  
 پاك نویس کننده **مردان ج. ۷**  
 ۱۳۳۳

وزارت امور خارجه

اداره **لیسبر**

بتاریخ ۱۲ محرم ۱۳۳۳

آقایان عماد اعظم دولت افغانستان  
 کتبه شریف ۶۲ دهر وزارت خارجه قمر اضات شیرین ریمه در طهران دندن  
 بدولت لیسبر کنه دانهات بدت تعقیب خولدن دبا لیسبر بدت رط لیسبر ریم خود اقرام  
 کنه دانهات بدت <sup>حان لیسبر</sup> دیکند بدهر است <sup>که عماد و شوران ملت مقتدر مردم در ازمیر</sup>  
 اقرام کنه شکر خدمت همدردی و غیر خواننده و اول بر این ریمه تعقیب شد

ریمه در طهران



شماره سند: ۷۷

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: علماء اعلام بوشهر

موضوع: پاسخ به شکوایه علمای اعلام بوشهر

تاریخ: ۱۲ جمادی الاولی ۱۳۳۳ هـ ق

متن سند:

آقایان علماء عظام دامت افاضاتهم

کپیہ تلگراف نمره ۶۲ واصل وزارت خارجه اعتراضات شدیدہ رسمیه در طهران و لندن به دولت انگلیس کرده و با نهایت جدیت تعقیب خواهد شد و با اینکه دولت به وظایف رسمی خود اقدام کرده و می کند، بدیہی است جنابان مستطابعالی که عماید و پیشوایان ملت هستند، مردم را از هر اقدامی که مستلزم خسارات مادی و معنوی باشد جلوگیری خواهد فرمود تا دولت به وسایل رسمیه مقتضیه مسئله را ترمیم نماید. عبدالله - امضاء





وزارت داخلہ

ادارہ حزب دائرہ  
نمبر ۴۵۶۴

وزارت جیلہ اور خارجہ

بطوریکہ در ضمن نمبر ۱۳۵۲۱ / ۳۳۳۳ شمار فرمودہ بود در امر اکتوبر ۱۳۳۳  
تعمیرات دادہ شدہ در پتہ حیدر خان و محمد خان حیات - دادو  
سوال سید ایوب آلمانی و محمد من سہراکان سارالہ مقدم  
لکوردہ وزارت حفظ سطر و مفتت نمودہ محمد علی طلوع



ادارہ اسناد و کتاب  
وزارت امور خارجہ  
بخش اسناد

ادارہ جیل غیر محمولہ

شماره سند: ۷۶

فرستنده: وزارت داخله

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: تنبیه حیدرخان و محمد خان حیات داودی و استرداد اموال مسیو واسموس<sup>۱</sup>

تاریخ: ۱۰ جمادی الاولی ۱۳۳۳ هـ ق

نمره: ۶۵۷۴

متن سند:

وزارت جلیله امور خارجه

به طوریکه در ضمن نمره  $\frac{۱۴۵۲۱}{۲۲۳۳}$  اشعار فرموده بودید رمزاً به حکومت بنادر تعلیمات داده شد که در تنبیه حیدرخان و محمدخان حیات داودی و استرداد اموال مسیو واسموس آلمانی و استخلاص همراهان مشارالیه اقدام فوری به عمل آورده و از رعایت حفظ بی طرفی غفلت ننموده، نتیجه را اطلاع دهند. امضاء

[حاشیه:]

- اداره غیر مجاوره

- محل مهر: وزارت داخله